

واکاوی نقش ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی شهر شیراز

مهدی توکلی کازرونی - دانشجوی دکتری تخصصی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

هادی کشمیری* - هیات علمی دانشکده هنر و معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، گروه معماری، شیراز، ایران.

Analysis of the role of high-rised buildings on Habitation culture of Shiraz

Abstract

New approaches to design residential complexes are based on comprehensive interdisciplinary patterns in which the coordination of the human and environmental aspects of the designing is more important. In addition, the problems of living in big cities make it inevitable to use aggregate complexes. Paying attention to human and environmental factors contributing to planning and designing can improve the quality of life in residential complexes. High-rised buildings have a relatively short history in our country. So, it has been a short time that many researchers concern about living in residential complexes and culture of habitation in such complexes. The aim of this study is to analyse and discuss about the outputs of theories about habitation culture and theories related to high-rised buildings by using libraries procedure. The results will present several theories about the impact of high-rised buildings on habitation culture.

Keywords: high-rise building | culture | housing | vertical development of the city | residential complex

چکیده

رویکرد های جدید طراحی مجتمع های زیستی متکی به الگوهای جامع بین رشته ای است، که به هماهنگی جنبه های انسانی و محیطی طراحی اهمیت بیشتری داده اند. از سوی دیگر، مشکلات زندگی شهرهای بزرگ استفاده از مجموعه های متراکم را اجتناب ناپذیر ساخته است. توجه به عوامل انسانی و محیطی مؤثر در برنامه ریزی و طراحی می تواند کیفیت زندگی در مجموعه های مسکونی را ارتقاء بخشد. ساختمان های بلند مرتبه دارای قدمت نسبتاً کوتاهی در کشور ما می باشند، مجتمع های زیستی نشینی و فرهنگ سکونتی در مجتمع های زیستی چندی است دغدغه بسیاری از پژوهشگران شده است. لذا این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای به تبیین و بررسی مشتقات حاصل از نظریات فرهنگ سکونتی و نظریات مؤثر بر ساختمان های بلند مرتبه پرداخته است. نتایج حاصل به شکل ارائه چند نظریه در باب تاثیر ساختمان های بلند مرتبه بر فرهنگ سکونتی خواهد بود.

واژگان کلیدی: بلندمرتبه سازی، فرهنگ، سکونت، توسعه عمودی شهر، مجتمع سکونتی

مقدمه

معماری بیان هنری است که همه مردم خواه؛ نا خواه در معرض آن قرار می گیرند. مردم در فضای معماری زندگی و کار می کنند، و عشق می ورزند. با این همه، به گفته والتر بنیامین، معماری معمولاً به ناخودآگاه رانده شده و به شیوه ای آشفته درک می شود. هر بنایی از آسمان خراش ها گرفته تا مقبره ها، ضرورتاً به مردم مربوط می شود. پایداری فرهنگی در مجتمع های مسکونی وضعیتی است که در آن، ساکنان از زندگی در خانه و مجتمع خود رضایت دارند و از همسایگی با سایر ساکنان لذت می برند و همچنین از رفتار با سایر سکنه مجتمع لذت می برند. مجموعه شرایط زندگی به نحوی است که با گذشت زمان تعاملات اجتماعی بیشتر می شود و بیشتر افراد نسبت به محل زندگی خویش تعلق خاطر و دلبستگی می یابند. بنابراین به صورت ناخودآگاه حافظ سلامت و پایداری آن هستند و در نگه داری و بهبود وضعیت موجود، مشارکت و هماهنگی دارند. در نتیجه عمر مفید و ارزش مادی واحدهای مسکونی این نوع مجتمع ها در شرایط برابر بیشتر از سایر مجتمع هاست. پایداری اجتماعی بهره وری مجتمع های مسکونی را به حداکثر می رساند. و نوعی تعالی بخشیدن به زیستن را شکل می دهد. پس باید فضاهایی متمایز برای فعالیت های مختلف انسان فراهم آورد و آنها را به نحوی به هم پیوند داد، که محتوای عاطفی آن کنش خاص در حیات آدمی، که در آن فضاها رخ می دهد، باشد.

۱. بیان مسئله

مسکن به صورت اجتماعی نوع خاصی از مسکن است که ریشه ای تاریخی در قرن نوزدهم دارد و در تعدادی از کشور های صنعتی طی دهه های گذشته و به ویژه در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم یکی از روشهای عمده تامین مسکن برای افراد کم درآمد و میان درآمد بوده است. در راستای تحولات انقلاب صنعتی و رشد جمعیت رویکرد های

جدیدی در برنامه ریزی و طراحی مسکن به وجود آمده است. زندگی در شهر های بزرگ استفاده از مجموعه های متراکم تر و هماهنگ با جنبه های انسانی و محیطی را القاء می کند. زیرا توجه به این عوامل می تواند زندگی در مجموعه های مسکونی را ارتقاء بخشد. هرچند طرح یک مجتمع زیستی حاصل نهایی فرآیند پیچیده ای است که عناصر آن بر هم تأثیر متقابل دارند و عوامل متعددی از جمله ویژگی های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی در آن مؤثرند، اما با رعایت اصول و معیارهای حاصل از پژوهش های بنیادی و کاربردی در زمینه طراحی معماری، سازه و طراحی سایت می توان امکان استفاده و البته مشروط از مجتمع های مسکونی را راه حلی واقع گرایانه و مطلوب جهت اسکان مردم و تامین سایر نیازهای مرتبط با فعالیت های اجتماعی و محیطی در شهر های بزرگ دانست. اگرچه بلند مرتبه سازی از سویی می تواند به بخشی از مسائل شهری نظیر کمبود زمین و مسکن تا حدی پاسخ دهد، اما این پدیده خود می تواند نگرانیهای عمده ای را نیز دامن بزند.

۲. روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر ماهیت از نوع پژوهش های اکتشافی است، زیرا مسأله ای را مورد توجه قرار می دهد که قبلاً به آن با این نگاه پرداخته نشده است. در چنین پژوهشی به جای آزمون فرضیه، هدف جمع آوری الگوها و ایده ها برای یافتن درک عمیق از موضوع است برای این منظور از رویکرد آمیخته استفاده می کنیم که هدف آن ترکیب روش های پژوهش کمی و کیفی برای دستیابی به روشی مناسب جهت دستیابی به اهداف پژوهش است. برای این منظور ابتدا به گردآوری داده های کیفی با استفاده از روش مطالعات کتابخانه ای پرداخته شده و سپس سعی گردیده تا از روش دلفی برای رتبه بندی شاخص ها بهره گیری شود. در این راستا ابتدا در نتیجه بازنگری ادبیات موضوع مهمترین عوامل موثر بلند مرتبه سازی بر فرهنگ سکونتی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۱۸

جدول ۱. جمع بندی آرا و اندیشه های نظریه پردازان درباره مفهوم سکونت

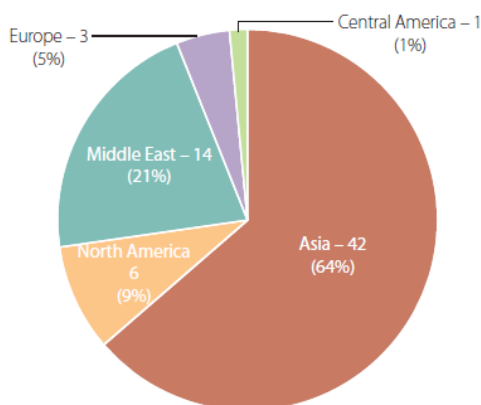
نظریه پرداز	دیدگاه نظری درباره مفهوم سکونت و خانه
کریستین نوربرگ شولتز	صحنه اجرای سکونت خانه است که در واقع پناهگاهی است که امنیت و آسایش را برای ساکنینش به ارمغان می آورد. خانه مکانی است برای دیدار محرمانه سکونت خصوصی که بر پایه ی عشق استوار است و در نهایت خانه خود زندگی است که قلمروی درونی را که خاطرات محیط دوردست را در خود گرد آورده است می آفزایند (نوربرگ شولتز، ۱۹۸۴).
ابونصر فارابی	خانه از نظر او صرفاً زیستگاه نیست بلکه جایگاهی است که حضور در آن باعث کمال می شود، بر رفتار فرد تاثیر می گذارد و محوریت پیوند انسان ها با یکدیگر است. وقتی که خانه در کمال بخشی به فرد تاثیر داشته باشد آنگاه شهر نیز در کلیت خود باعث تکامل همه ی شهروندان می شوند (معینی، ۱۳۸۳).
رابرت گیفورد	کاشانه یک مجموعه غنی از معانی فرهنگی، جمعیتی و روانی در حال تکامل است که ما به ساختار فیزیکی متصل می کنیم و شش مشخصه دارد: پناهگاه، نظم دهی، هویت، همبستگی، گرمای سمبلیک و متناسب بودن با نیازهای روانی (گیفورد، ۱۹۹۷).
علی مدنی پور	خانه، مکانی برای استقرار خانواده است و در واقع تصویرگر اصلی عرصه خصوصی انسان، نهادی در بطن جامعه مدرن، نمادی برای ابراز هویت شخصی فرد و سرپناهی کالبدی و روانی است (مدنی پور، ۱۳۸۷).

که شامل ۴۱ مورد بود استخراج گردید و سپس در قالب روش دلفی با استفاده از ابزار پرسشنامه ای در سه مرحله و مبتنی بر روش گلوله برفی با نمونه آماری شامل ۳۲ خبره در حوزه معماری مورد سنجش و رتبه بندی قرار گرفت که در قالب جدولی در پایان پژوهش ارائه گردیده است. ضمناً برای بررسی ضریب همبستگی از شاخص معنی داری و برای تطابق قابل قبول نظرات در آزمون دلفی از ضریب دبلیوی کنдал بهره برده شده است.

۳. مفاهیم و تعاریف

۳-۱. مفهوم سکونت

از نظر مارتین هایدگر، سکونت کردن هدف هر نوع بنا کردن است و خصیصه اصلی آن آسیب نرساندن و حراست کردن است که با نجات دادن زمین، پذیرفتن آسمان، ماندن در انتظار خدایان و هدایت کردن فانیان بدست می آید (هایدگر، ۱۳۷۷). در ادبیات سکونت، بر اهمیت نقش مسکن در احراز هویت ساکنان تاکید شده است. مارتین هایدگر سکونت را نشان بارز وجود می داند (هایدگر، ۱۳۸۱، ص ۲۴). گاستون باشلار خانه را به عنوان قوای عظیم در هم آمیخته زندگی بشر یاد می کند و معتقد است که انسان در خانه هویت خود را باز

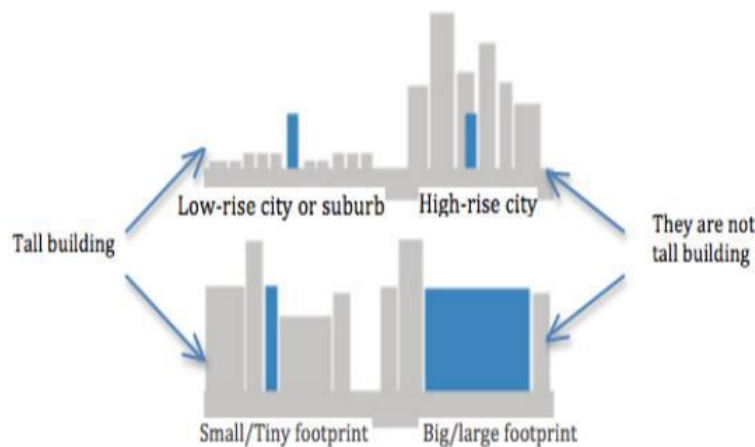


شکل ۱. نمودار بلندمرتبه سازی در قاره های مختلف جهان (Wezha Hawez Baiz, ۲۰۱۶:۲۰)

می یابد (Bachelard, ۲۰۰۷:۷۴).

۳-۲. بلندمرتبه سازی

استفاده از ساختمان های بلندمرتبه به تمدن های اخیر زود برمی گردد. در مصر باستان این کلمه برای توصیف اهرام که مربوط به ۲۷۰۰ سال پیش از میلاد مسیح است استفاده گردیده است. پس از آن برای نشان دادن ارتفاع کلیساها و کاخها استفاده می شده است. برای مثال کلیسای لینکلن یکی از بلندترین کلیساها از ۲۰۰ سال پیش تاکنون بوده است توجه به ارتفاع ساختمان های بلند نیز به



شکل ۲. مفاهیم نسبی بلند مرتبه سازی؛ ماخذ: Wezha Hawez Baiz, ۲۰۱۶:۲۰

عنوان شهر مرتفع شناخته می شود، نمی تواند به عنوان ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش اندازه گیری شود. از سوی دیگر همان برج با همان ارتفاع می تواند به عنوان یک ساختمان بلند در بسیاری از شهر های اروپا محسوب گردد (شکل ۲).

از مسایل مهمی که از اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی شهرهای بزرگ جهان با آن مواجه شدند، ساخت بناهای بلند با شیوه امروزی است. اینگونه بناها در ابتدا به منظور بهره گیری بهتر از زمین های مرکز شهر در شهرهای بزرگ کشورهای غربی مورد استفاده قرار گرفتند. پس از گذشت چند دهه شهرهای بزرگ کشورهای در حال رشد نیز، به تقلید از آن شهرها یا بر حسب ضرورت، از بناهای بلند استفاده نمودند (رزاقی اصل و دیگران، ۱۳۸۹). در حال حاضر تناسبات یکی از مسائلی است که شهر ها با آن متمایز شده اند و نمادی برای زندگی مدرن است که نشان می دهد ساختمان های بلند به سرعت در حال رشد هستند. برخی از فاکتور های مهم گرایش به ساختمان های بلند مرتبه عبارتند از: جمعیت، نفوذپذیری، مدیریت شهری و نمادین بودن. ساختمانهای بلند مرتبه تنها جهت حل مشکلات ذکر شده در بالا است ولی خود باعث مشکلاتی چون: تاثیر در بافت شهری مانند فرهنگ، محیط زیست، آلودگی محیط زیست

قرن ۱۹ در شیکاگو برمی گردد. و این در حالی است در سه دهه گذشته این ساختمان ها به سرعت توسعه یافتند (شکل ۱).

ساختمان های بلندمرتبه تنها یک پدیده از شهر حاضر و به صورت جداگانه یا بدون تاثیر بر برنامه ریزی شهری نیست. مطالعه و تحقیق برج های بلند معمولاً به همراه محیط پیرامون آمده است. به عبارت دیگر هنگام اندازه گیری ارتفاع ساختمان های بلند، باید در چهارچوب محیط اطراف توجه نمود سپس می توان تصمیم گرفت که آن ساختمان ها مرتفع هستند یا آسمان خراش شناخته می شوند. ملاک ساختمان بلند مرتبه یا آسمان خراش صرفاً ارتفاع نیست. جنبه های مختلفی در این خصوص باید بررسی شود. شورای ساختمان های بلند و زیستگاه شهری (CTBUH) تعدادی از جنبه هایی که باید هنگام محاسبه ارتفاع ساختمان ها بررسی شود را تعریف کرده است، این جنبه ها عبارتند از: نسبت، فناوری، بافت شهری.

همان طور که روشن است یکی از جنبه ها به بافت شهری مربوط است. این بدان معناست که بین ساختمان های های شهری و بلند مرتبه ارتباط قوی وجود دارد و جدا از یکدیگر نیستند و هریک بر دیگری تاثیرگذار است. برای نمونه، هر برج دارای چهارده طبق در شانگهای و یا هر شهر دیگری که به

و سایه اندازی است.

۳-۳. مرور تعاریف ساختمان بلند مرتبه

برای ساختمانهای بلند از دیدگاههای مختلف تعاریف متفاوتی ارائه شده است که هریک از منظر خود به تعریف بلند مرتبه سازی پرداخته اند. در طول زمان و در مکانهای مختلف نیز تعاریف ساختمانهای بلند متفاوت بوده است. فرهنگ جدید انگلیسی آکسفورد می گوید، ساختمانی که طبقات بلند داشته باشد. از دیدگاه مهندسان ساختمان، هنگامی می توان بنایی را بلند مرتبه یا مرتفع نامید که ارتفاع آن باعث شود نیروهای جانبی ناشی از زلزله و باد بر طراحی آن تاثیر قابل توجهی بگذارد و بر این مبنا از لحاظ ارتفاع، ساختمانهای بیشتر از ۱۰ طبقه را بلند مرتبه به شمار می آورند.

۳-۴. تاریخچه بلند مرتبه سازی در جهان

قرن بیستم شاهد تحولات بی سابقه ای در زمینه های گوناگون علمی، فنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی- فرهنگی بوده است (بحرینی، ۱۳۷۷، ص ۴۴۵-۴۴۶). با افزایش جمعیت، تشکیل شهرها و کلان شهرها، مسکن نیز حکم کالایی خاص را یافت و دارای ابعاد گوناگون و تاثیرگذار بر دیگر شاخص های اقتصادی شد. حق برخورداری از مسکن مناسب در سال ۱۹۴۸ به طور رسمی در اعلامیه حقوق بشر سازمان ملل متحد مطرح گردید (کریمی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹). بی تردید بهره گیری از آزادی ها و حقوق اساسی یک انسان در گرو زیست سالم، بی دغدغه و امن است و این همه بدون برخورداری از سرپناهی مناسب و ایمن حاصل نمی شود (رفیعی، ۱۳۸۳، ص ۳۶). مسکن به عنوان نوعی سرمایه گذاری دارای مفهوم اقتصادی نیز هست، از طرفی الگوهای سکونت نیز ارتباط مستقیمی با شرایط اجتماعی و اقتصادی و نیازهای فرهنگی جامعه دارد. به گونه ای که سیاست های اجرا شده در داخل یک کشور جهت تامین مسکن لزوما در ناحیه دیگری از همان کشور قابل اجرا و قرین توفیق نخواهد بود بدین ترتیب برای پرداختن به موضوع مسکن حتما، باید

مولفه های هویتی هر محل نیز به خوبی شناسایی شوند (تواهن، ۱۳۸۳، ص ۴). حل مشکل مسکن بدون توجه به ویژگی های جمعیتی یک کشور اگر ناممکن نباشد، بسیار دشوار است، زیرا شاخص های جمعیتی نظیر تعداد و روند افزایش جمعیت، ساخت آن، درجه عمومیت و پیشروی ازدواج، مهاجرت، وضعیت اشتغال و ... مستقیماً بر محدود نیاز به مسکن تاثیر می گذارند، به همین جهت شناخت جمعیت و ویژگی های آن گام نخست در رفع این مشکل محسوب می شود (زنجانی، ۱۳۷۱، ص ۱۵۵-۱۵۶). ارتفاع ساختمان دستاوردی است که راه حل برخی از بزرگترین شهرسازی جدید را در بر میگیرد (پاکزاد، ۱۳۸۶، ص ۳۸۱).

۳-۵. تاریخچه بلند مرتبه سازی در ایران

بروز بحران آسیب زای مسکن و ضرورت آپارتمان نشینی در کل دنیا، اساساً بازتاب انتقال از جوامع مبتنی بر کشاورزی، نظام ایلاتی و طایفه ای خانواده های پدر سالار و گسترده به نوع دیگری از جوامع مبتنی بر صنعت و خدمات با نظام استقرار شهری و بروز فرهنگ نو ظهور فردگرایی با خانواده های هسته ای می باشد که البته گونه ای انتقال از ساختار جمعیتی با نرخ رشد حدود ۰/۵ درصد و حتی کمتر را به ساختار جمعیتی نوظهوری که رشد سالانه حدود ۳ تا ۴ درصد داشته را نیز شاهد بوده ایم (حسامیان و دیگران، ۱۳۶۳، ص ۲۱).

۴-۴. بررسی دیدگاه های مربوط به بلند مرتبه سازی

شناخت هر پدیده ای به درجه شناخت از نظریات و دیدگاه های مربوط به آن پدیده بستگی دارد، بدین معنی که با شناخت دقیق این دیدگاه ها، ادراک آن پدیده آسانتر می گردد. به همین دلیل لازم دانستیم نظریات و دیدگاه های مثبت و منفی مربوط به ساخت و سازهای بلند مرتبه را مورد بحث و بررسی قرار دهیم

۴-۴-۱. دیدگاه های مخالف با ساختمان های بلند مرتبه

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۱

در ارتباط با کیفیت زندگی شهری و مسائل اجتماعی، عقیده نظریه پردازان فوق بر این است که، مجتمع های زیستی های بلند به هیچ وجه جای یک مسکن سالم و طبیعی را نمی گیرند (بالکن جای باغچه)، مالکیت مجتمع های زیستی هیچگاه جای مالکیت یک خانه معمولی را نمی گیرد. بعلاوه، ساختمانهای بلند علیه خود انسان نیز عمل می کنند. زیرا زمینه لازم برای وقوع جنایات را فراهم می سازند. کودکان تماس مستقیم خود را با طبیعت و با همسالان خود از دست می دهند و این امر آثار تأسف باری را هم برای خود کودکان و هم برای والدین آنها در بر خواهد داشت (بحرینی، ۱۳۶۹، ص ۱۴). به کارگیری ساختمان های بلند مرتبه، به منظور تامین مسکن همگانی، با ناکامی هایی رو به رو بوده است. این نقایص را می توان به در گذشته شهرها با طبیعت تعادل خاصی داشتند، براساس نظر دوکیادس ساختمان های بلند درست برعکس طبیعت و محیط زیست عمل می کنند و مقیاس محیط و جریان طبیعی هوا را نیز به هم می زنند و سبب ایجاد آلودگی می شوند. ساختمان های بلند کلیه ارزش های قدیمی کالبد و سیمای شهرها را زیر پا گذاشته اند و مناظر طبیعی شهرها را از بین می برند (بحرینی، ۱۳۷۶). لوئیس مامفورد منتقد بزرگ معماری، اظهار می دارد: مرتب کردن ساختمان های مرتفع پیوسته یا برج ها، حتی اگر به اندازه ای از یکدیگر جدا شده باشند که بر هم سایه نیندازند، ایجاد محیطی عاری از جذابیت است؛ چون که بناهای پیوسته یا برج ها خورشید را از محیط می گیرند و مقیاس انسانی را تخریب می کنند، محیطی که صمیمیت و آشنا بودن با آن برای خردسالان و بزرگسالان شادی بخش است (شوا، ۱۳۷۵، ص ۳۶۵).

۴-۲. دیدگاه های موافق با ساختمان های بلند مرتبه

موافقان با ساخت بناهای بلند، ضمن ارایه ی دیدگاه ها و نظریات گوناگون، دلایل بسیاری برای

مزیت این گونه بناها مطرح می کنند. بعضی از این نظریات، احداث بناهای بلند را نوعی واقع گرایی دانسته و با توجه به شرایطی که در قرن حاضر ایجاد گردیده است، بر استفاده از ساختمان بلند تاکید می کنند و در مجموع با توجه به رشد جمعیت شهرهای بزرگ، احداث ساختمان های بلند را راه حل طبیعی و مناسب جهت اسکان مردم در شهرهای بزرگ می دانند (حبیبی، ۱۳۸۸). معمارانی چون گریپیوس معتقد بودند که ساختن بناهای مسکونی مرتفع، امکان استفاده از زمین آزاد (باغ) و زمین های بازی را بیشتر می کند، ساختمان و زمین، آفتاب بهتر و بیشتری می گیرند و از این روی خانه های بلند برتری دارند (اعتصام، ۱۳۸۲، ص ۲۵۲). در طرح های شهری، معمارانی چون میس وندروهه و گروپیوس و... به عنوان موافقان با طرح ساختمان های بلند یا ساخت این بناها خواستار انجام تغییر اساسی در شهرهای بزرگ هستند و معتقدند تراکم جمعیت در شهرها روز به روز افزایش می یابد. برای استفاده از فضای آزاد، نور و هوای کافی، احداث ساختمان های بلند لازم است. بنابراین اساس طرح های معماران احداث پارک ها و گردشگاه ها است (گیدئون، ۱۳۸۰، ص ۶۵۱). یک ساختمان بلند مسکونی در آشنایی و نزدیک شدن ساکنان خود همانند آشنایی هایی که در دهات و جوامع کوچک رخ می دهند، نقش اجتماعی مثبتی را ایفا می کند و خارج از این ارزشی مهم شناخته شده است (بهرون، ۱۳۷۵، ص ۴۳). همچنین خانواده ها با عوامل مختلفی که تحت عنوان سلامت محله و روابط اجتماعی، موقعیت، امکانات و خدمات اجتماعی می باشد تمرکز دارند (Belinda Yuen, ۲۰۰۶).

۴-۵. مفهوم فرهنگ

فرهنگ در گسترده ترین معنای خود، چنان که مردم شناسان به کار می برند، نامی ست برای همه ی چیزهایی که دست آورد انسان است و مایه ی جدایی او از طبیعت و برتری او بر دیگر باشندگان

جدول ۳. تعاریف فرهنگ

لووی، ۱۹۳۷	فرهنگ مجموعه ی چیزهایی است که فرد از جامعه خود فرا می گیرد، یعنی باورها، رسم ها، سنجه های هنری، عادت های خورد و خوراک و پیشه هایی که نه از راه کردوکار خود بنیاد او، بلکه به صورت میراثی از گذشته، از راه آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی به او می رسد (آشوری، ۱۳۸۶: ۴۹).
هرسکوویتس، ۱۹۴۸	فرهنگ در اساس بنایی ست بیانگر تمامی باورها، رفتارها، دانش ها، ارزش ها و خواسته هایی که شیوه ی زندگی هر ملت را باز می نماید ... و سرانجام عبارت است از هرآنچه یک ملت دارد، هر کاری که می کند و هر آنچه می اندیشد. فرهنگ بخش انسان ساخته ی محیط است (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۱).
لینتون، ۱۹۳۶	وراثت اجتماعی فرهنگ نامیده می شود. فرهنگ، به معنای عام، کل میراث اجتماعی بشریت است و به معنای خاص رگه ای ویژه از میراث اجتماعی (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۲).
مید، ۱۹۳۷	فرهنگ به معنای کلیت در هم تنیده ای است از رفتار فردادی که نژاد بشر پرورنده است و نسل به نسل آموخته می شود. هیچ فرهنگی را به دقت نمی توان حدگذاری کرد. معنای آن می تواند شکل های رفتار فردادی خاص یک جامعه، یک گروه از جامعه، یک نژاد، یک حوزه یا دروه های خاص باشد (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۲).
بنت و تومن، ۱۹۴۹	فرهنگ عبارتست از الگوهای رفتار همه ی گروه ها که «راه و روش زندگی» نامیده می شود: سیمای پدیدار همه گروه های بشری. رویداد «فرهنگ» برای همه ی گروه ها یکسان است، اما الگوهای ویژه فرهنگ در میان گروه ها گوناگون است. «یک فرهنگ» آن الگوی خاص رفتار است که یک جامعه را از دیگر جامعه ها جدا می کند (آشوری، ۱۳۸۶: ۵۶).
کلاکن، ۱۹۴۹	فرهنگ را می توان آن بخشی از محیط دانست که آفریده ی دست انسان است (آشوری، ۱۳۸۶: ۶۸).

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۳

فرهنگ از جمله کلماتی است که در متون مختلف از کاربرد گسترده ای برخوردار است و همین گستردگی بر ابهام و پیچیدگی آن می افزاید. البته این وسعت استفاده نشانه ابعاد بسیار پنهان فرهنگ است که آن را قادر به نفوذ در امور مختلف می سازد. اهمیت فرهنگ به میزانی است که بعضی آن را سبب تمایز انسان از حیوان می دانند و به عبارتی سخن از این به میان می آورند که انسان حیوانی است با فرهنگ (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۱۶) و عده ای دیگر آن را به مثابه حافظه ای برای جامعه می دانند (تری یاندیس، ۱۳۸۸، ص ۲۶). تاثیر فرهنگ صرفا به جامعه بر نمی گردد و آن را می توان عامل اولیه ای برای اختلافات فردی نیز دانست (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۷، ص ۲۴۳). همین برداشت های متنوع، این امر را ضروری می سازد تا بیش از پیش به شناخت جایگاه آن در مطالعات معماری و بررسی

طبیعی. برخی کوشیده اند سازماندهی های اصلی پدیده فرهنگ را از هم جدا و طبقه بندی کنند، ولی در کل فرهنگ در برگیرنده ی همه ی چیزهایی ست که یک شکل خاص از زندگی اجتماعی و زندگی اجتماعی انسانی را در کل ممکن می کند و روابط و سازوکارهای درونی آن را سامان می دهد (آشوری، ۱۳۸۶، ص ۱۲۱). تعریفی که ادوارد بارنت تایلور مردم شناس بزرگ انگلیسی در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» ارائه داده است به عنوان تعریفی جامع و مانع معروف است. فرهنگ مجموعه ای پیچیده ای است که در برگیرنده دانستنی ها، اعتقادات، هنرها، خلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به عنوان عضوی از جامعه به دست می آورد (روح الامینی، ۱۳۸۴، ص ۱۷).

۴-۵-۱. فرهنگ و ابعاد آن

ابعاد و تعاریف آن پردازیم.

۴-۵-۲. رابطه فرهنگ و معماری

آنچه به عنوان فرهنگ برشمردیم (قوانین، ارزشها و...) تنها بخشی از فرهنگ هر جامعه است. فرهنگ، دارای بعدی دیگر نیز هست به نام بعد مادی و منظور از آن، ساختمان ها، بناها، کارخانه ها و ... است. درواقع، این امور را نیز جزئی از فرهنگ یک جامعه می‌شمارند. چون ریشه در ارزش ها، باورها و... دارند و از همین جا حلقه ارتباط فرهنگ و معماری نمایان می‌شود. «جهت گیری فرهنگ ها، همواره بر مبنای فطرت بشری و اندیشه او انجام می‌شود و همین مسیر در شکل دهی به فضای زیست و پیدایش معماری مؤثر است، چراکه این فضا به عنوان یک نیاز بشری مطرح است و اینگونه نیازها همواره در مسیر عقل و فطرت الهی پاسخ داده می‌شوند» (فلاحی، ۱۳۹۲). شکل و رفتار هر جامعه‌ای به ابزار و اشیای خاصی نیازمند است که معمار باید این وسایل را در نظر بگیرد؛ هر ساختمانی به دلیل آنکه شامل فعالیت های متفاوتی است از فضاهای متنوعی برخوردار است و الزم است این فضاها با یکدیگر ارتباط داشته باشند و به گونه ای خاص سازماندهی شود. یکی از عواملی که تعیین کننده این ارتباطات است، فرهنگ است. فرهنگ تعیین میکند که چه فضاهایی باهمدیگر ارتباط داشته باشند و میزان ارتباط چقدر باشد (مهدوی پور، ۱۳۷۷، ص ۵۷). چنانچه معماری را ساخت و سازی بر اساس قالب های ذهنی بنامیم (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۹)، متوجه می شویم که شکل و نظام سازماندهی شهر و معماری هر منطقه متأثر از محیط فرهنگی آن است. در همین راستا می توان بیان کرد که اساسا شناخت مسکن از طریق شناخت لایه های مختلف تاثیرات فرهنگی امکان پذیر است (Baydar, ۱۹: ۲۰۰۴). عده ای اینگونه معتقدند که معماری نیز همانند لباس و سایر وسایل انسانی وسیله ای است برا تطابق با محیط بدون تغییر ساختار بدن انسان (Dezuari, ۲۰۱۰: ۴۴۶). و آنچه این تطابق را ممکن

می سازد، فرهنگ و یا به عبارتی نظام ذهنی اوست (عسکری خانقاه و کمالی، ۱۳۸۷). بدین لحاظ است که بنا را می توان، نهاد و پدیده اساسی فرهنگ (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۵۷) و نشانه یک باور (راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۴) دانست. تا حدی که حاضر است خواسته های خود را بر مشکلات اجرایی و اقتصادی برتری دهد (روح الامینی، ۱۳۷۷، ص ۵۴، و راپاپورت، ۱۳۸۲، ص ۶۷).

۴-۶. فرهنگ سکونتی

فرهنگ رابطی است بین انسان و محیط بیرون تا ریشه او را هم در طبیعت و هم در جامعه مستحکم سازد. به کمک فرهنگ انسان ها به هم وابسته و نزدیک میشوند و با مشترکات ذهنی که زائیده همین فرهنگ است، ملت به وجود می‌آید که پیوندگاه او را اشتراکی است در خاطره ها و اشتراک در چیزهایی که دوست میدارند و اشتراک در چیزهایی که دشمن میدارند و اشتراک زبان و چیزهایی دیگر. فرهنگ به معنای خاص به سرمایه معنوی یک قوم گفته میشود که همه آثار ادبی و هنری را در برمی گیرد. یکی از تفاوت های اصلی در فرهنگ های مختلف این است که فرهنگ ها تعمیم دهنده اشکال رفتاری و تشریحی متفاوتی ازسازواره بشری هستند. هرکجا که اقتباس فرهنگی دربین باشد، موضوع اقتباس شده بایستی بافرهنگ جدیدتوافق داشته باشد. درغیراین صورت تغییرات قدیم وجدید باهم همسازی نداشته، و در بعضی موارد، حتی دوالگوی کاملاً متناقض هستند (پاکزاد، ۱۳۷۵، ص ۴۵).

۴-۶-۱. ریشه های ایده تاثیر محیط بر انسان

معانی نمادین محیط مصنوع و عناصر آن (مثل شهرها، معابد، آرامگاه ها، مقابر و خانه ها) در هر یک از تمدن های بشری گویای معنایی است که محیط به ذهن انسان متبادر نموده و بالنتیجه بر ادراک او از محیط و بر رفتاراش در محیط تاثیر کرده، و در نهایت فرهنگ او را شکل داده و متحول می نموده است. ادیان الهی نیز مکان هایی را به عنوان

مکان و فضای مقدس معرفی نموده اند، که همین امر عامل بنیادین تعریف و تعیین کیفیت فضا بوده است. تاثیر محیط بر انسان موضوع جدیدی نیست و از قدیم الایام مورد توجه فلاسفه و مصلحین بوده است.

۴-۲. فرهنگ ساکنین و محیط مصنوع

در طراحی محیط های مصنوع، کاربران در گروه های اجتماعی مختلف از موضوعات کلیدی میباشند و در بیشتر اوقات فرهنگ کاربران متفاوت از فرهنگ طراحان میباشد. این تفاوت ها ممکن است حتی در خرده فرهنگ ها نیز وجود داشته باشد.

۵. مبانی نظری بلندمرتبه سازی و فرهنگ سکونتی

در این بخش از پژوهش ابتدا به بررسی نظریات جامعه شناسی و فرهنگی غالب بر سکونت خواهیم پرداخت و پس از آن به بررسی نظریات مرتبط با بلند مرتبه سازی خواهیم پرداخت.

۵-۱. نظریه جبرگرایی

از نظریه های مهم در مورد مسایل جامعه شناسی شهری، تئوری جبرگرایی یا اکولوژیکی را می توان نام برد. جبر گرایان مدعی اند شهرنشینی نا به سامانی های شخصیتی و اجتماعی را افزایش می دهد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹، ص ۱۹۹). مفاهیم مورد استفاده در بوم شناختی که پارک پایه گذار آن بود به شرح زیر است.

- ۱- تسلط: به این معنا که درخت بلند بر محیط مسلط می شود و نور را به خود تخصیص می دهد.
- ۲- هجوم و استقرار: هجوم به معنی حرکت یک گروه نژادی یا قومی به یک منطقه است که در صورت موفقیت به استقرار آن گروه منجر می شود.
- ۳- همزیستی: این مفهوم به معنی وابستگی متقابل سازواره های متفاوت و اجتماعی است.

پارک معتقد بود که اجتماع همانند محیط طبیعی است و در آن جریان های شبه فرهنگی مانند رقابت، همکاری، تضاد و یگانه شدن وجود دارد

یعنی اجتماع شهری محیطی زنده است که تحت تأثیر نیروهای شبه طبیعی و شبه فرهنگی قرار دارد. آنچه او در نظر دارد، حرکت جمعیت با بررسی سن، جنسیت، نژاد، قومیت و ابعادی از این قبیل است. به عقیده پارک حتی حرکت های بوم شناختی مثل نیروهای شبه فرهنگی می تواند در شکل شهر تأثیر داشته باشد (ممتاز، ۱۳۸۱، صص ۱۲۹-۱۲۴).

۵-۲. رویکرد ترکیب گرایی

در مقابل نظریه جبرگرایی، دیدگاه یا نظریه ترکیبی (فضایی) قرار دارد. از میان نظریه پردازان این دیدگاه، هربرت گانز جایگاه مهمی دارد (گانز ۱۹۶۸، نقل از کامران و همکاران، ۱۳۸۸، صص ۳۴-۲۹). از نظریه پردازان این دیدگاه می توان به اسکارلونیس، گریگوری استون، دانکن و رایزر، جرال دستلز، جاکوبز و گنز اشاره کرد. گنز جایگاه مهمی در میان نظریه پردازان ترکیب گرا دارد و معتقد است حیات اجتماعی شهرنشینان بیشتر به عوامل غیراقتصادی مانند طبقه اجتماعی، قومیت و مراحل عمر وابسته است. به نظر وی خلاف آنچه جبرگرایان مدعی شده اند، عوامل اکولوژیکی، مخصوصاً اندازه و تراکم جمعیت و ناهمگونی گروه های شهری هیچ گونه عارضه مستقیم و تأثیر جدی بر زندگی افراد شهرنشین ندارد (گانز، ۱۹۶۸، ص ۳۴). گنز شیوه های مختلف زندگی را متأثر از ویژگی های عمومی اجتماعی مثل سن، درآمد یا سطح سواد افراد می دانست. گنز بر همین اساس چهار گروه اجتماعی (جهان وطنان، مجردان یا بی بچه ها، روستاییان قوم گرا، محرومان در تله افتاده) را در شهرهای آمریکایی شناسایی کرد و چهار شیوه خاص زندگی ایشان را مورد بررسی قرار داد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹، صص ۲۱۰-۲۰۹).

۵-۳. رویکرد فرهنگ گرا

دیدگاه سوم یعنی نظریه خرده فرهنگ یا فرهنگ گرا بینشی جدید و در اصل سنتز دو نظریه فوق الذکر است یعنی این دیدگاه در حالی که فرضیه اصلی نظریه ترکیبی را تأیید می کند، به این نکته

نیز می پردازد که شهرنشینی اثرات خاصی بر شهرنشینان می گذارد و پیامدهایی نیز دربردارد. از یک طرف جمعیت زیاد شهر باعث پیدایش گروه های اجتماعی می شود. مانفرد کان معتقد است واکنش افراد در مقابل اشیاء و پدیده ها و موضوعات مختلف، بر اساس معنای آنها رخ میدهد؛ یعنی فرد در جریان کنش و برخورد مستقیم و تجربه داشتن از شیء یا موضوع آن را تعبیر و تفسیر کرده و با توجه به ارزیابی هایش نگرش خاصی پیدا میکند. مانفرد کان در بیان فایده و اهمیت دیدگاه های کیفی و انفرادی انسان نظیر نگرشها و رفتارهای وی برای کنش متقابل نمادین چنین بیان میکند: «افراد هویت خود را طی جریان تماس با دیگران کسب میکنند و از آنجا که رفتار و گرایش افراد دربار هی خویشتن حاصل چیزی است که دیگران درباره فرد میاندیشند، گرایش ها و رفتارهای آشکار همان چیزی است که از دیگران بهره داشته و در جریان تماس و معاشرت کسب میشود» (توسلی، ۱۳۸۴، ص ۳۲۵).

۵-۳-۱. عوامل فرهنگی اجتماعی دخیل در بناهای مرتفع

اجتماع و فرهنگ نقش کلیدی را در پذیرفتن یا نپذیرفتن توسعه ساختمان های بلند بازی می کند. در جوامعی که زندگی در بناهای مرتفع یک قاعده اساسی است، فرهنگ محلی بدون هیچ مشکلی با اضافه کردن ساختمان های بلند جدید شکل می گیرد. مردمی که متولد و در ساختمانهای بلند تربیت می شوند معمولاً هیچ مشکلی برای ادامه زندگی در این محیط ندارند. در مقابل، مردم در برخی از جوامع سنتی که برای قرنهای در ساختمان های با ارتفاع کم زندگی کرده اند ممکن است در ابتدا احساسی از ناراحتی در زندگی در بناهای مرتفع داشته باشند تا زمانی که آن ها خود را با شیوه جدید زندگی تطبیق دهند. در واقع، نوعی از روابط اجتماعی در بناهای مرتفع ایجاد شده که متفاوت است از آن چه در ساختمان های کوتاه مرتبه تجربه

می شود (Belinda Yuen, ۲۰۰۶). ساختمان های مسکونی بلند، به طور خاص، به اثرات اجتماعی مرتبط است. بسیاری از محققان در مورد اثرات اجتماعی و روانی زندگی در مسکن بلند مرتبه ابراز نگرانی کرده اند. در حالی که بناهای بلند ممکن است برای مردم تنها و زوج های جوان؛ و برای یک خانواده با کودکان کمتر مطلوب باشد.

۶. بلند مرتبه سازی و فرهنگ سکونت
در این بخش به جمع بندی مطالب فوق و ادغام این دو نظریه پرداخته می شود. عواملی که در فرهنگ و سکونت در شهر نیز تاثیر می گذارد باید لیست شود؛ عوامل به وجود آورنده هویت؛ تعاملات اجتماعی؛ همسایگی؛ حس تعلق به مکان؛ طول مدت سکونت، افزایش سلامت، امنیت، تعامل اجتماعی؛ دلبستگی؛ احساس رضایت؛ شخصی سازی محیط؛ قلمرو، احترام به خود، حس مالکیت. ایجاد هویت تعلق مکانی را افزایش می دهد و در نتیجه احساس رضایت را بیشتر می کند که کیفیت محیط می تواند این عوامل را معرفی کند.

۷. یافته های پژوهش

اولین گام در این پژوهش شناسایی مهم ترین شاخص های بلند مرتبه سازی مؤثر بر فرهنگ سکونت می باشد. برای این منظور طی یک بررسی مبنایی نظری، عمده ترین شاخص های مؤثر در بلندمرتبه سازی، شناسایی گردید. سپس این شاخص های بر اساس یک اجماع نظر از خبرگان با استفاده از روش دلفی مورد تحلیل قرار گرفت که در ادامه به این فرایند و نتایج آن اشاره شده است. دو مورد بیان شده (تست ۰/۱ و حذف شاخص بی اهمیت) در مرحله سوم نیز صورت می گیرد. بر اساس منطق روش دلفی، معیار اختلاف میانگین، دو تکرار آخر می باشد. بدین معنی که در مرحله سوم اختلاف بین میانگین امتیازات در دور دوم و سوم مقایسه می گردند. این فرایند تا زمانی که تمامی اختلافات کمتر از ۰/۱ شود، ادامه می یابد. دور اول روش دلفی. در پرسشنامه دلفی از پاسخ دهندگان

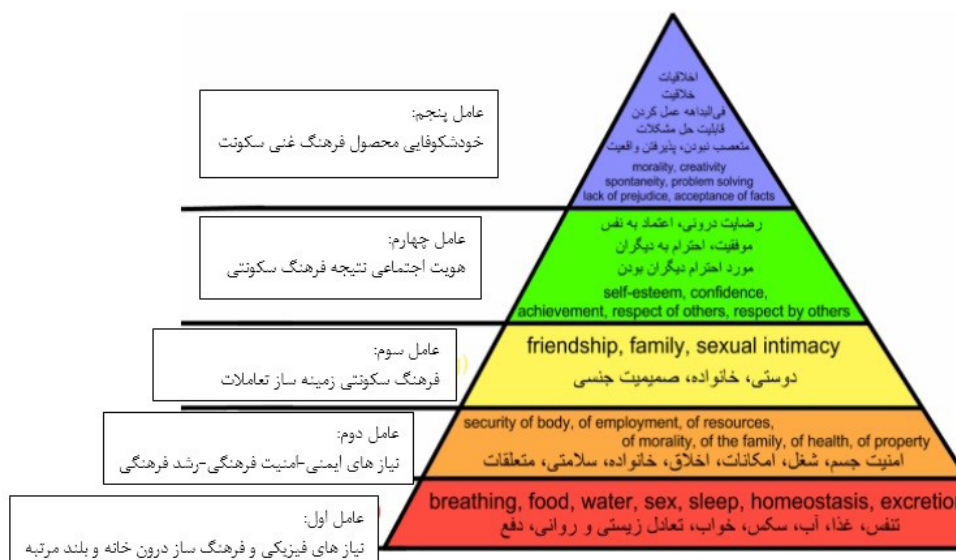
جدول ۱. مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونت؛ مآخذ: فراستی، ۱۳۹۵، ص ۱۳۵.

مولفه های تاثیر بلندمرتبه سازی بر فرهنگ سکونت	
عامل اول نیازهای فیزیکی	تناسبات؛ محصوریت؛ تعین فضایی؛ مقیاس انسانی؛ وضوح؛ پیوستگی فضایی؛ فضای سبز؛ تراکم؛ نفوذپذیری؛ فضای باز؛ تنوع محیط
عامل دوم نیاز ایمنی و آرامش	فرهنگ امنیتی؛ آسایش؛ امنیت فضای کودکان؛ کنترل تداخل فضایی؛ نظارت اجتماعی؛ شبکه دسترسی؛ کنترل محیط بر انسان
عامل سوم فرهنگ سکونت و تعاملات اجتماعی	مشارکت اجتماعی؛ حضور پذیری؛ تعامل انسان در محیط؛ ساختار اجتماعی؛ واکنش اجتماعی؛ پیوستگی فعالیت؛ عدم پذیرش غریبه ها؛ فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا؛ مکان های مردمی
عامل چهارم فرهنگ سکونت و هویت اجتماعی	غنی بودن محیط؛ خوانایی؛ خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)؛ ایجاد سلسله مراتب در قلمرو؛ حریم؛ نمادین بودن؛ تشخیص فضایی
عامل پنجم فرهنگ سکونت و نظم و خودشکوفایی	وحدت و نظم اجتماعی؛ عزت نفس؛ حس تعلق و دلبستگی به محیط؛ زیبایی؛ سرزنده و خوشایند بودن؛ محیط معنا

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۷



(خبرگان) خواسته شد تا میزان تأثیر هر یک از ۴۱ شاخص ها بر طراحی فضای شهری انعطاف پذیر را با انتخاب یکی از گزینه های موجود اعلام کنند. این گزینه ها به صورت طیف لیکرت بوده است. چنانچه در جدول (۲) مشاهده می شود، در سنجش دور اول بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص های «سرزنده و خوشایند بودن و حس تعلق و دلبستگی به محیط» و کمترین امتیاز به شاخص های «تغییر پذیری و پیوستگی فضایی و غنی بودن محیط» داده شده است. دور دوم روش دلفی. در بخش اول از پرسشنامه دور دوم روش دلفی، مجموعه شاخص هایی ارائه گردید که به استناد مرحله اول دلفی به عنوان شاخص های مؤثر بر بلندمرتبه سازی تشخیص داده شد. بخش

جدول ۲. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور اول)؛ مأخذ: نگارندگان، (۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۸۹	۰/۷۴	۱۰
۲. محصوریت	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۸	۲۳
۳. تعیین فضایی	۳۲	۳,۳۱	۰/۷۷	۳۴
۴. مقیاس انسانی	۳۲	۳,۵۹	۰/۷۰	۱۹
۵. وضوح	۳۲	۳,۵۶	۰/۷۴	۲۵
۶. پیوستگی فضایی	۳۲	۳,۰۱	۰/۷۴	۴۰
۷. فضای سبز	۳۲	۳,۵۷	۰/۵۶	۲۱
۸. تراکم	۳۲	۳,۸۱	۰/۷۷	۱۲
۹. تغییر پذیری	۳۲	۲,۹۲	۰/۵۸	۴۱
۱۰. نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۵	۰/۸۱	۵
۱۱. فضای باز	۳۲	۳,۵۸	۰/۶۴	۲۰
۱۲. تنوع محیط	۳۲	۳,۳۵	۰/۸۶	۳۲
۱۳. فرهنگ امنیتی	۳۲	۴,۱۵	۰/۶۲	۷
۱۴. آسایش	۳۲	۴,۴۰	۰/۵۱	۴
۱۵. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۷۲	۰/۷۵	۱۵
۱۶. کنترل تداخل فضایی	۳۲	۳,۴۱	۰/۹۶	۳۰
۱۷. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۲۷	۰/۹۷	۶
۱۸. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۹	۰/۹۸	۱۷
۱۹. کنترل محیط بر انسان	۳۲	۳,۴۹	۰/۸۶	۲۷
۲۰. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۶۲	۰/۷۷	۱۸
۲۱. حضور پذیری	۳۲	۳,۷۶	۰/۸۰	۱۴
۲۲. تعامل انسان در محیط	۳۲	۳,۵۶	۰/۶۹	۲۲
۲۳. ساختار اجتماعی	۳۲	۳,۴۷	۰/۶۹	۲۸
۲۴. واکنش اجتماعی	۳۲	۳,۱۹	۱/۱۲	۳۷
۲۵. پیوستگی فعالیتی	۳۲	۳,۲۷	۱/۰۹	۳۳
۲۶. عدم پذیرش غریبه‌ها	۳۲	۳,۸۳	۱/۱۳	۱۱
۲۷. فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا	۳۲	۳,۲۸	۱/۰۰	۳۶
۲۸. مکان‌های مردمی	۳۲	۳,۹۶	۰/۷۴	۹
۲۹. غنی بودن محیط	۳۲	۳,۰۷	۰/۷۴	۳۹
۳۰. خوانایی	۳۲	۳,۷۱	۰/۶۶	۱۶
۳۱. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۴,۴۲	۰/۷۷	۳

۳۲	۳,۱۵	-/۵۸	۳۸	۱۳۲. ایجاد سلسله مراتب در قلمرو
۳۳	۳,۵۷	-/۸۱	۲۶	۳۳. حریم
۳۴	۳,۷۹	-/۶۴	۱۳	۳۴. نمادین بودن
۳۵	۳,۳۸	-/۸۵	۳۱	۳۵. تشخیص فضایی
۳۶	۴,۰۸	-/۶۲	۸	۳۶. وحدت و نظم اجتماعی
۳۷	۳,۲۹	-/۵۱	۳۵	۳۷. عزت نفس
۳۸	۴,۵۹	-/۷۵	۲	۳۸. حس تعلق و دلبستگی به محیط
۳۹	۳,۵۵	-/۹۶	۲۴	۳۹. زیبایی
۴۰	۴,۶۱	-/۹۷	۱	۴۰. سرزنده و خوشایند بودن
۴۱	۳,۴۴	-/۹۳	۲۹	۴۱. محیط معنا

جدول ۳. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور دوم): مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ‌ها	میانگین پاسخ‌ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۷۱	-/۷۴	۱۳
۲. محصوریت	۳۲	۳,۴۶	-/۶۸	۲۰
۳. مقیاس انسانی	۳۲	۳,۵۵	-/۷۰	۱۹
۴. وضوح	۳۲	۳,۱۵	-/۷۴	۲۲
۵. فضای سبز	۳۲	۳,۰۳	-/۵۶	۲۳
۶. تراکم	۳۲	۳,۷۸	-/۷۷	۱۲
۷. نفوذپذیری	۳۲	۴,۲۴	-/۸۱	۶
۸. فضای باز	۳۲	۲,۸۵	-/۶۴	۲۴
۹. فرهنگ امنیتی	۳۲	۴,۱۱	-/۶۲	۸
۱۰. آسایش	۳۲	۴,۷۳	-/۵۱	۱
۱۱. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۶۲	-/۷۵	۱۶
۱۲. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۶۹	-/۹۷	۲
۱۳. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۵۷	-/۹۸	۱۸
۱۴. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۶۳	-/۷۷	۱۵
۱۵. حضور پذیری	۳۲	۳,۸۵	-/۸۰	۱۱
۱۶. تعامل انسان در محیط	۳۲	۳,۴۲	-/۶۹	۲۱
۱۷. عدم پذیرش غریبه‌ها	۳۲	۳,۶۵	۱/۱۳	۱۴
۱۸. مکان‌های مردمی	۳۲	۴,۱۶	-/۷۴	۷
۱۹. خوانایی	۳۲	۲,۵۹	-/۶۶	۲۷
۲۰. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۴,۴۲	-/۷۸	۵
۲۱. حریم	۳۲	۲,۷۹	-/۸۱	۲۵
۲۲. نمادین بودن	۳۲	۳,۹۴	-/۶۴	۱۰
۲۳. وحدت و نظم اجتماعی	۳۲	۴,۰۵	-/۶۲	۹
۲۴. حس تعلق و دلبستگی به محیط	۳۲	۴,۶۱	-/۷۵	۳
۲۵. زیبایی	۳۲	۲,۶۴	-/۹۶	۲۶
۲۶. سرزنده و خوشایند بودن	۳۲	۴,۵۱	-/۹۴	۴
۲۷. مدیریت شهری	۳۲	۳,۶۱	-/۶۳	۱۷

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۲۹

دوم پرسشنامه نیز به پرسش در خصوص اهمیت شاخص‌ها در حالت اصلاح شده و جدید می‌پردازد که اصلاحات آن در ادامه بیان شده است. با توجه به پیشنهاد مطرح شده توسط تعدادی از خبرگان، «مدیریت شهری» به پرسشنامه دور دوم اضافه گردید.

بنابراین، در پرسشنامه دوم، لیستی از شاخص جدید پیشنهادی و شاخص‌های باقیمانده، را تشکیل داد. پرسشنامه دور دوم دلفی (شامل ۲۷ شاخص) نیز به همان ۳۲ نفر تحویل داده شد که شاخص‌های مذکور به شرح جدول (۳) می‌باشند. چنانچه در جدول (۳) مشاهده می‌شود، در سنجش دور دوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «آسایش» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «خوانایی» داده شده است. شایان ذکر است مقایسه میانگین امتیازات شاخص‌ها در دور مرحله اول و دوم دلفی، در جدول (۴) آمده است.

با توجه به اطلاعات جدول (۴)، ۱۴ شاخص از پرسشنامه دور دوم کنار گذاشته شد که در این بین ۸ شاخص «محسوریت»، «وضوح»، «فضای سبز»، «فضای باز»، «تعامل انسان در محیط»، «خوانایی»، «حریم» و «زیبایی»، به دلیل امتیاز کمتر حذف و ۶ شاخص «مقیاس انسانی»، «تراکم»، «فرهنگ امنیتی»، «وحدت و نظم اجتماعی»، «حس تعلق و دلبستگی به محیط» و «سرزنده و خوشایند بودن» نیز به دلیل اتفاق نظر جمعی مورد پذیرش قرار گرفتند و در مرحله سوم مورد سنجش قرار نمی‌گیرد.

دور سوم روش دلفی. در این دور، مشابه روش دور دوم عمل گردید. پرسشنامه دور سوم با ۱۳ شاخص توزیع که نتایج آن در جدول (۵) آمده است.

در سنجش دور سوم بیشترین امتیاز (اهمیت) به شاخص «تظارت اجتماعی» و کمترین امتیاز به شاخص اهمیت «امنیت فضای کودکان» داده شده است. همچنین مقایسه میانگین در دور دوم و سوم نیز به صورت جدول (۶) نشان داده شده است.

با توجه به نتایج جدول (۶)، می‌توان گفت: اولاً، نظرات در خصوص تمامی شاخص‌ها به جز ۴ شاخص که دارای امتیاز پایین می‌باشد، به دلیل آنکه اختلاف کمتر از ۰/۱ را در مقایسه دو مرحله آخر داشته‌اند، به جمع بندی نهایی رسیده است. علاوه بر این، با حذف چهار شاخص «امنیت فضای کودکان»، «عدم پذیرش غریبه‌ها»، «خطر انگیز بودن» و «تمادین بودن» که دارای امتیاز کمتر از ۳،۵ بودند و امتیاز بالاتر از ۳،۵ برای اکثر شاخص‌ها نشان دهنده، مؤثر بودن آن‌ها در فرهنگ سکونتی متأثر از بلندمرتبه سازی می‌باشد.

بر طبق جدول (۷) مقدار ۰،۰۲۴، ۰،۰۴۹ و ۰،۰۱۲ شاخص‌های معنی‌دار که کمتر از معیار ۰،۰۵ می‌باشد، همبستگی پاسخ‌ها را تأیید می‌کنند. همچنین مقدار بالاتر از ۰/۵ برای ضریب دلیوی کندانال نیز تطابق قابل قبول نظرات را در این آزمون نشان می‌دهد. شایان ذکر است با توجه به اینکه در آزمون دلیوی کندانال، مقدار درجه آزادی بر اساس تعداد گویه‌ها محاسبه (و نه تعداد مشاهدات) بنابراین در این مرحله برای ۴۱ گویه مورد آزمون، درجه آزادی ۴۰-۱=۴۱ تعیین شده است. چنانچه در جداول (۷) مشاهده می‌شود، مقدار ضریب همبستگی در طی سه مرحله رو به افزایش است که این امر ضمن تأیید همگرایی و هم‌سو شدن نظرات خبرگان در طول فرایند آزمون، بیانگر میزان بالای اجماع نظر ۷۲،۵ درصدی در متغیرهای تعریف شده می‌باشد. در مجموع ۱۵ شاخص زیر با استفاده از مدل دلفی به عنوان شاخص‌ها اصلی در خصوص تأثیر بلندمرتبه سازی در فرهنگ سکونتی استخراج گردید که بر اساس امتیازات کسب شده توسط هر شاخص از مدل دلفی، جدول رتبه بندی شاخص‌ها ارائه گردیده است.

۸. نتیجه گیری و جمع‌بندی

همان گونه که انسان بر اساس باورها و سنت و جهان بینی و فرهنگ خویش محیطی را می‌سازد که بتواند ضمن آن که آئینه اصول و ارزش‌هایش

جدول ۴. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله اول و دوم؛ مأخذ: یافته‌های پژوهش

اختلاف میانگین	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله اول	شاخص
۰,۱۸	۳,۷۱	۳,۸۹	۱. تناسبات
۰,۱	۳,۴۶	۳,۵۶	۲. محصوریت
***	***	۳,۳۱	۳. تعیین فضایی
۰,۰۴	۳,۵۵	۳,۵۹	۴. مقیاس انسانی
۰,۴۱	۳,۱۵	۳,۵۶	۵. وضوح
***	***	۳,۰۱	۶. پیوستگی فضایی
۰,۵۴	۳,۰۳	۳,۵۷	۷. فضای سبز
۰,۰۳	۳,۷۸	۳,۸۱	۸. تراکم
***	***	۲,۹۲	۹. تغییر پذیری
۰,۱۱	۴,۲۴	۴,۳۵	۱۰. نفوذپذیری
۰,۷۳	۲,۸۵	۳,۵۸	۱۱. فضای باز
***	***	۳,۳۵	۱۲. تنوع محیط
۰,۰۴	۴,۱۱	۴,۱۵	۱۳. فرهنگ امنیتی
۰,۳۳	۴,۷۳	۴,۴۰	۱۴. آسایش
۰,۱۱	۳,۶۱	۳,۷۲	۱۵. امنیت فضای کودکان
***	***	۳,۴۱	۱۶. کنترل تداخل فضایی
۰,۴۲	۴,۶۹	۴,۲۷	۱۷. نظارت اجتماعی
۰,۱۲	۳,۵۷	۳,۶۹	۱۸. شبکه دسترسی
***	***	۳,۴۹	۱۹. کنترل محیط بر انسان
۰,۰۱	۳,۶۳	۳,۶۲	۲۰. مشارکت اجتماعی
۰,۱۵	۳,۹۱	۳,۷۶	۲۱. حضور پذیری
۰,۱۶	۳,۴۰	۳,۵۶	۲۲. تعامل انسان در محیط
***	***	۳,۴۷	۲۳. ساختار اجتماعی
***	***	۳,۱۹	۲۴. واکنش اجتماعی
***	***	۳,۲۷	۲۵. پیوستگی فعالیتی
۰,۱۸	۳,۶۵	۳,۸۳	۲۶. عدم پذیرش غریبه‌ها
***	***	۳,۲۸	۲۷. فرصت برقراری ارتباط میان انسان و فضا
۰,۲۰	۴,۱۶	۳,۹۶	۲۸. مکان‌های مردمی
***	***	۳,۰۷	۲۹. غنی بودن محیط
۱,۱۲	۲,۵۹	۳,۷۱	۳۰. خوانایی

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۱

شاخص	میانگین مرحله اول	میانگین مرحله دوم	اختلاف میانگین
۳۱. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۴,۴۲	۴,۴۳	۰,۰۱
۳۲. ایجاد سلسله مراتب در قلمرو	۳,۱۵	***	***
۳۳. حریم	۳,۵۷	۲,۹۵	۰,۶۲
۳۴. نمادین بودن	۳,۷۹	۳,۹۴	۰,۱۵
۳۵. تشخیص فضایی	۳,۳۸	***	***
۳۶. وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۸	۴,۱۵	۰,۰۷
۳۷. عزت نفس	۳,۲۹	***	***
۳۸. حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۵۹	۴,۶۱	۰,۰۲
۳۹. زیبایی	۳,۵۵	۲,۶۴	۰,۹۱
۴۰. سرزنده و خوشایند بودن	۴,۶۱	۴,۵۱	۰,۱۰
۴۱. محیط معنا	۳,۴۴	***	***
۴۲. مدیریت شهری	***	۳,۶۱	***

جدول ۵. توصیف آماری پاسخ دهندگان (دلفی دور سوم)؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	تعداد پاسخ ها	میانگین پاسخ ها	انحراف معیار	ترتیب اهمیت
۱. تناسبات	۳۲	۳,۳۷		۱۰
۲. نفوذپذیری	۳۲	۴,۳۲		۳
۳. آسایش	۳۲	۴,۶۹		۲
۴. امنیت فضای کودکان	۳۲	۳,۲۸		۱۳
۵. نظارت اجتماعی	۳۲	۴,۷۵		۱
۶. شبکه دسترسی	۳۲	۳,۶۱		۷
۷. مشارکت اجتماعی	۳۲	۳,۵۸		۸
۸. حضور پذیری	۳۲	۳,۹۴		۵
۹. عدم پذیرش غریبه ها	۳۲	۳,۳۲		۱۱
۱۰. مکان های مردمی	۳۲	۴,۲۳		۴
۱۱. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۳۲	۳,۴۶		۹
۱۲. نمادین بودن	۳۲	۳,۴۷		۷
۱۳. مدیریت شهری	۳۲	۳,۶۲		۶

بوده و او را در جهت وصول به آن ها یاری نماید، در دهه های اخیر به شیوه های گوناگون این موضوع مورد بررسی و تایید قرار گرفته که محیط تأثیری جدی بر رفتار و روان و در نتیجه تغییرات فرهنگی انسان دارند. با توجه به مفهوم بلند مرتبه سازی و شاخص های مربوط به آن مواردی مورد تایید قرار گرفت که بر فضای فرهنگی سکونت تأثیرات مهم و مفیدی واقع گردیده است و در نهایت بر اساس نتایج به دست آمده از شاخص های استخراج شده از مبانی و مدل دلفی ۱۵ شاخص به عنوان شاخص های بلند مرتبه سازی شناخته شد که با توجه به رتبه بندی انجام شده قابلیت های نظارت اجتماعی، آسایش، حس تعلق و دلبستگی به محیط و سرزنده و خوشایند بودن را می توان به عنوان مهمترین

جدول ۶. میزان اختلاف دیدگاه خبرگان در نظرسنجی مرحله دوم و سوم؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	میانگین مرحله دوم	میانگین مرحله سوم	اختلاف میانگین
۱. تناسبات	۳,۷۱	۳,۶۲	۰/۰۹
۲. محصوریت	۳,۴۶	---	---
۳. مقیاس انسانی	۳,۵۵	---	---
۴. وضوح	۳,۱۵	---	---
۵. فضای سبز	۳,۰۳	---	---
۶. تراکم	۳,۷۸	---	---
۷. نفوذپذیری	۴,۲۴	۴,۳۲	۰,۰۸
۸. فضای باز	۲,۸۵	---	---
۹. فرهنگ امنیتی	۴,۱۱	---	---
۱۰. آسایش	۴,۷۳	۴,۶۹	۰,۰۴
۱۱. امنیت فضای کودکان	۳,۶۲	۳,۲۸	۰,۳۴
۱۲. نظارت اجتماعی	۴,۶۹	۴,۷۵	۰,۰۵
۱۳. شبکه دسترسی	۳,۵۷	۳,۶۱	۰,۰۴
۱۴. مشارکت اجتماعی	۳,۶۳	۳,۵۸	۰,۰۵
۱۵. حضور پذیری	۳,۸۵	۳,۹۴	۰,۰۹
۱۶. تعامل انسان در محیط	۳,۴۲	---	---
۱۷. عدم پذیرش غریبه ها	۳,۶۵	۳,۳۲	۰,۳۳
۱۸. مکان های مردمی	۴,۱۶	۴,۲۳	۰,۰۷
۱۹. خوانایی	۲,۵۹	---	---
۲۰. خاطره انگیز بودن (نقش انگیزی)	۴,۴۲	۳,۴۶	۰,۹۶
۲۱. حریم	۲,۷۹	---	---
۲۲. نمادین بودن	۳,۹۴	۳,۴۷	۰,۴۷
۲۳. وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۵	---	---
۲۴. حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۶۱	---	---
۲۵. زیبایی	۲,۶۴	---	---
۲۶. سرزنده و خوشایند بودن	۴,۵۱	---	---
۲۷. مدیریت شهری	۳,۶۱	۳,۶۲	۰,۰۱

جدول ۷. آزمون همبستگی دلبیوی کنдал؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

مرحله دلفی	تعداد پاسخگو	ضریب همبستگی دلبیوی کنдал	شاخص کای دو	درجه آزادی	شاخص معنی داری (Sig.)
اول	۳۲	۰,۵۴۶	۵۸۲,۰۳۶	۴۰	۰,۰۲۴
دوم	۳۲	۰,۶۲۱	۵۰۸,۸۵۱	۲۶	۰,۰۴۹
سوم	۳۲	۰,۷۲۵	۳۵۱,۷۸	۱۲	۰,۰۱۲

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۳

جدول ۸. رتبه بندی شاخص های بلندمرتبه سازی با استفاده از مدل دلفی؛ مأخذ: (نگارندگان، ۱۳۹۵)

شاخص	امتیاز	رتبه
۱. نظارت اجتماعی	۴,۷۵	۱
۲. آسایش	۴,۶۹	۲
۳. حس تعلق و دلبستگی به محیط	۴,۶۱	۳
۴. سرزنده و خوشایند بودن	۴,۵۱	۴
۵. نفوذپذیری	۴,۳۲	۵
۶. مکان های مردمی	۴,۲۳	۶
۷. فرهنگ امنیتی	۴,۱۱	۷
۸. وحدت و نظم اجتماعی	۴,۰۵	۸
۹. حضور پذیری	۳,۹۴	۹
۱۰. تراکم	۳,۷۸	۱۰
۱۱. مدیریت شهری	۳,۶۲	۱۱
۱۲. شبکه دسترسی	۳,۶۱	۱۲
۱۳. تناسبات	۳,۶۰	۱۳
۱۴. مشارکت اجتماعی	۳,۵۸	۱۴
۱۵. مقیاس انسانی	۳,۵۵	۱۵

شاخص های بلند مرتبه سازی معرفی نمود.

منابع و مأخذ

- ۱- هایدگر، مارتین، (۱۳۷۷) فلسفه تکنولوژی، آثاری از مارتین هایدگر و ... مترجم: اعتماد، شاپور، تهران، چهارده
- ۲- آشوری، داریوش، (۱۳۸۶) تعریفها و مفهوم فرهنگ، چاپ سوم، تهران، دفتر نشر آگه
- ۳- یوسفی، ناصح، (۱۳۸۶) نقش فرهنگ شهری و تعاملات اجتماعی در شکل گیری معماری پایدار، مجموعه مقالات اولین همایش ملی معماری پایدار، همدان، آموزشگاه فنی و حرفه ای سما
- ۴- لنگ، جان، (۱۳۸۱) آفرینش نظریه معماری (نقش علوم رفتاری در طراحی محیط)، ترجمه ع عینی فر، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۵- صدیق سروسستانی، رحمت الله (۱۳۶۹) نشریه: جامعه شناسی و علوم اجتماعی زمستان ۱۳۶۹، شماره ۴
- ۶- بحرینی، حسین، (۱۳۷۸) تجدد، فراجدد و پس

از آن در شهرسازی، تهران، دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ

- ۷- رفیعی، مینو، (۱۳۸۳) حق مسکن در ایران، سیاست های تامین مسکن برای گروه های خاص، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره ۳۵ و ۳۶
- ۸- قائم مقامی، پروین؛ ضرغامی، اسماعیل؛ پوردیهیمی، شهرام (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی، ۱۳۸۹.
- ۹- مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- ۱۰- حسامیان، فرخ و دیگران، (۱۳۷۷) شهرنشینی در ایران، تهران، انتشارات آگه، چاپ سوم
- ۱۱- شکوهی، علی، (۱۳۸۲) بررسی مسائل اقتصادی، اجتماعی و کالبدی انبوه سازی مسکن در شهر زنجان، فصلنامه انبوه سازان مسکن، شماره ۹ و ۱۰
- ۱۲- رزاقی اصل، سینا؛ مهدوی نیا، مجتبی؛ فیضی محسن؛ دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۹) طراحی شهری عمودی، مفاهیم و الزامات تحقق آن در کلا نشهر تهران، باغ نظر، بهار ۱۳۸۹.

- ۱۳- عربی بلاغی، نادر، (۱۳۸۲) الزامات بلند مرتبه سازی به عنوان شکلی از انبوه سازی مسکن، فصلنامه انبوه سازان مسکن، سال سوم، شماره ۹ و ۱۰
- ۱۴- پوردیهیمی، شهرام، (۱۳۹۱) شهر، مسکن و مجموعه ها، تهران، انتشارات آرمان شهر
- ۱۵- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۴) لغت نامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران
- ۱۶- عمید، حسن، (۱۳۶۳) فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران
- ۱۷- معین، محمد، (۱۳۷۱) فرهنگ لغت فارسی، تهران، انتشارات امیرکبیر
- ۱۸- عینی فر، علیرضا، (۱۳۷۹) عوامل انسانی، محیطی موثر در طراحی مجموعه های مسکونی، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۸، ص ۱۰۹-۱۱۸
- ۱۹- عینی فر، علیرضا، آقالطیفی، آزاده، (۱۳۹۰) مفهوم قلمرو در مجموعه های مسکونی (مطالعه مقایسه ای دو مجموعه مسکونی در سطح و ارتفاع در تهران)، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۷، ص ۱۷-۲۸
- ۲۰- ضرغامی، اسماعیل، (۱۳۸۹) اصول پایداری اجتماعی مجتمع های مسکونی در شهرهای ایرانی- اسلامی، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، شماره دوم، ص ۱۰۳-۱۱۵
- ۲۱- مخبر، عباس، (۱۳۶۳) ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمه مرکز مدارک اقتصادی- اجتماعی، تهران، انتشارات سازمان برنامه و بودجه
- ۲۲- آشوری، داریوش، (۱۳۸۰) تعریف ها و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آگه
- ۲۳- فلاحی، مریم، (۱۳۹۲) تاثیر فرهنگ بر معماری بومی، معماری و شهرسازی و توسعه پایدار، مشهد، موسسه آموزش عالی خاوران
- ۲۴- مهدوی پور، حسین، (۱۳۷۷) مقدمه ای بر تاثیر فرهنگ در معماری مسکن و محیط روستا، شماره ۸۴، ص ۵۲-۶۰
- ۲۵- امامی، صابر، (۱۳۸۸) حافظ و هویت فرهنگی، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳، ص ۶۷-۸۵
- ۲۶- نقی زاده، محمد، (۱۳۷۸) هویت: تجلی فرهنگ در محیط، مجله آبادی، شماره ۳۴ و ۳۵، پاییز و زمستان ۱۳۷۸
- ۲۷- نقی زاده، محمد و بهناز امین زاده (۱۳۸۰) فضای کیفی، معماری و شهر، مجله نامه فرهنگ، شماره ۴۰، تابستان ۱۳۸۰
- ۲۸- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۷۵) هویت و این همانی با فضا، مجله صفا، شماره ۲۱-۲۲، بهار و تابستان ۱۳۷۵
- ۲۹- روح الامینی، محمود، (۱۳۷۷) زمینه فرهنگ شناسی تالیفی در انسان شناسی، مردم شناسی، چاپ چهارم، تهران، عطار
- ۳۰- تری یاندیس، هری س، (۱۳۸۸) فرهنگ و رفتار اجتماعی، مترجم ن، فتی، چاپ سوم، تهران، رسانش
- ۳۱- عسکری خانقاه، اصغر، کمالی، محمد شریف، (۱۳۸۷) انسان شناسی عمومی، چاپ پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه ها (سمت) و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی
- ۳۲- مهدوی کنی، محمد سعید، (۱۳۸۷) مفهوم (سبک زندگی) و گستره آن در علوم اجتماعی، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، ۳۲
- ۳۳- لنگ، جان، (۱۳۸۲) آفرینش نظریه معماری، مترجم ع، ع فر، چاپ دوم، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران
- ۳۴- راپاپورت، آموس، (۱۳۸۳) ابداع معماری، از غار تا شهر، آبادی، ۸
- ۳۵- هایدگر، مارتین، (۱۳۸۱) شعر، زبان و اندیشه رهایی، ترجمه عباس منوچهری، تهران، انتشارات فارسی
- ۳۶- شولتز، دوان و شولتز، سیدنی الن، (۱۳۸۳) نظریه های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمد، تهران، موسسه نشر
- ۳۷- پاکزاد، جهانشاه (۱۳۸۶)، سیر اندیشه ها در شهرسازی (۱)، تهران: شرکت عمران شهرهای جدید

USA, 2005

- 49-Aragones, J.I., Francescato, G., Garling, T., (2002). Evaluating residential environments in: residential environments: choice, satisfaction and behavior. Bergin & Garvey, Westport, Connecticut, London, 1-14
- 50-Anwar Mahmud, shahril, sani ahmad, Abdullah, megad Abdullah, aminatuzuhariah (2009), lifestyle orientation and the residential environment: an exploratory review, procedia- social and behavioral sciences, 49, 304-309.
- 51-Beamish, Julia O. Carucci Goss, Rosemary, Em-mel, Joan.(2001), lifestyle influences on housing preferences, housing and society, volume 28, number 1&2

- ۳۸-عزیزی، محمد مهدی، ملک محمدنژاد، صارم (۱۳۸۶)، بررسی تطبیقی دو الگوی مجتمع های مسکونی (متعارف و بلندمرتبه)-مطالعه موردی: مجتمع های مسکونی نور (سنول) و اسکان تهران، هنرهای زیبا، ۳۲، ۲۷-۳۸.
- ۳۹-نورقانی، عبدالمجید (۱۳۸۵). هویت خانه شهری. رساله کارشناسی ارشد. مرکز اسناد دانشکده هنر و معماری دانشگاه شیراز
- ۴۰-راپوپورت، امس (۱۳۸۴) معنای محیط ساخته شده (رویکردی در ارتباط غیر کلامی). ترجمه فرح حبیب. چاپ اول. انتشارات پردازش و برنامه ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
- ۴۱-راپوپورت، امس (۱۳۶۶) منشا فرهنگی مجتمع های زیستی. ترجمه راضیه رضازاده. انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه علم و صنعت.
- ۴۲-پوردیهیمی، شهرام؛ نورقانی، عبدالمجید (۱۳۹۲) هویت و سمن، بررسی ساز و کار تعامل هویت ساکنی و محیط مسکونی. خانه، ۳
- 43-Meliouh, Fouzia and kheira Tabet Aoul (2001), L Habitat Espaces et Reperes conceptuels, courrier du savoir_N ol, Novembre, p59-64
- 44-Baydar, Gulsum, (2004), The cultural Burden of Architecture, Journal of Architectural Education : 9
- 45-Dezuari, Edgard, 2010, social change and transformations in housing, IssJ, UNESCO 2010, 197-198: 10
- 46-Bachelard, Gaston, 2007, The oneiric house, Hos-ing and Dwelling; perspectives on Modern Domes-tic Architecture; Edited by Barbara Miller, Lane; pu-blished Routledge
- 47-Rapoport, Amos, 1981, Identity and Environ-ment; cross-cultural perspective, Identity and housing; cross-cultural perspective, edited by James s. Duncan, landan, Billing and sons limited.
- 48-Rapoport, Amos, Culture Architecture and de-sign, locke science publishing company, Inc, chicago,

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۴۷ تابستان ۹۶
No.47 Summer 2017

۳۳۶